

Designing a Rangeland Common Resources Governance System in the Islamic Republic of Iran; Application of the Institutional Analysis Approach

Mohsen Bagheri Nasrabadi *

Received: 06/02/2021

Alireza Chitsazian **

Accepted: 03/05/2021

Vahid Yavari ***

Abstract

Common resources such as rangelands have extensive economic and social functions that are very effective in the economic and social development of countries. But what shapes the extent and manner of progress based on these resources is the governance mechanisms that determine the rules and rights of each actor. Rangelands, while having ecological functions such as water and soil conservation and breeding of plant and animal species, cause the formation of economic values and various businesses in the fields of animal husbandry, reforestation and extraction of medicinal plants. The management of these natural resources which have been at the disposal of local rural and nomadic communities for many years has faced institutional changes in the last century and after the implementation of the "Law on Nationalization of Forests and Rangelands", it has been handed over to the government. These policies have caused many problems and consequences that continue today. This article tries to design an optimal system of governance of common resources using the framework of institutional analysis. To achieve this goal in the framework of the qualitative approach, the semi-structured interview method and analysis of relevant documents and policies have been employed with a "content analysis" technique. Finally, while presenting the desired model in the system of joint resource governance, the main solution to solve the problems of this sector through the amendment of the law of natural resources and related structures by assigning property rights to the people with the priority of local exploiters has been introduced.

Keywords

Governance; Common Resource; Institutional Analysis; Property Right; Elinor Ostrom.

* Ph.D. in Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran Iran (Corresponding Author). mbagherinasr@isu.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. chitsazian@isu.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. v.yavari@isu.ac.ir

طراحی نظام حکمرانی منابع مشترک مرتعی در جمهوری اسلامی ایران؛ کاربستی از رویکرد تحلیل نهادی

محسن باقری نصرآبادی *

علیرضا چیت‌سازیان **

وحید یآوری ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳

مقاله برای اصلاح به مدت ۱ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

چکیده

منابع مشترک همچون مراتع، دارای کارکردهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای است که در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورها بسیار مؤثر است. اما آنچه که میزان و نحوه پیشرفت مبتنی بر این منابع را شکل می‌دهد سازوکارهای حکمرانی است که تعیین‌کننده قواعد و حقوق هر یک از کنش‌گران است. منابع مشترک از جمله مراتع ضمن داشتن کارکردهای زیست‌محیطی همچون حفظ آب و خاک و پرورش گونه‌های گیاهی و جانوری، سبب شکل‌گیری ارزش‌های اقتصادی و کسب‌وکارهای مختلف در حوزه‌های دامداری، دیم‌کاری و استحصال گیاهان دارویی است. اداره این منابع و ثروت‌های طبیعی که از سالیان دراز در اختیار جوامع محلی روستایی و عشایری قرار داشته، در سده اخیر با تحولات نهادی روبرو شده و پس از اجرای «قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع»، در اختیار دولت قرار گرفته است. این تحولات نهادی و سیاستی، سبب بروز بسیاری از مسائل و پیامدها شده که اکنون نیز ادامه دارد. این مقاله تلاش داشته به طراحی نظام حکمرانی مطلوب منابع مشترک با استفاده از چارچوب تحلیل نهادی بپردازد. برای دستیابی به این هدف در چارچوب رویکرد کیفی از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و واکاوی اسناد و سیاست‌های مربوطه با استفاده از تکنیک «تحلیل مضمون» استفاده شده است. در نهایت ضمن ارائه مدل مطلوب در نظام حکمرانی منابع مشترک، راه‌حل اصلی برای رفع مسائل این بخش از طریق اصلاح قانون منابع طبیعی و ساختارهای مربوطه با واگذاری حقوق مالکیت به مردم با اولویت بهره‌برداران محلی معرفی شده است.

واژگان کلیدی

حکمرانی؛ منابع مشترک؛ تحلیل نهادی؛ حق مالکیت؛ الینور استرم.

* دانش‌آموخته دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران
mbagherinasr@isu.ac.ir (نویسنده مسئول)

** استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران ایران
chitsazian@isu.ac.ir

*** استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران
v.yavari@isu.ac.ir

مقدمه: جایگاه اقتصادی و اجتماعی منابع مشترک طبیعی در ایران

یکی از ظرفیت‌های قابل توجه و حیاتی کشور، منابع مشترک^۱ است. این منابع طبق تعریف عبارت است از منابعی که با استفاده عمومی از میزان آن کاسته می‌شود و دچار محدودیت است. همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، این منابع از نظر ویژگی‌های اقتصادی با سایر کالاها همچون کالاهای عمومی و یا کالای خصوصی متفاوت بوده و به همین سبب الگوی حکمرانی و اداره متفاوتی را طلب می‌کند. این کالاها کاهش‌پذیر بوده و مصرف افراد سبب محرومیت دیگران از آن می‌گردد و از سوی دیگر به سختی می‌توان انتفاع عموم را از آن محدود کرد (Ostrom & Ostrom, 1977, p. 2). منابع مشترک شامل منابع طبیعی از جمله جنگل، آبزیان دریایی و مراتع است. ویژگی خاص این منابع سبب شده که حکمرانی بهره‌برداری صحیح از آنها به عنوان چالشی جدی برای صاحب‌نظران اقتصادی مطرح شود (Olson, 1965, p. 81). چالشی که از یک سو دچار مسأله سواری مجانی^۲ و فرصت‌طلبی برخی از بهره‌برداران است و از سوی دیگر انحصاری کردن^۳ آنها نیز دشوار است.

جدول (۱): چهار نوع کالای اساسی

کاهش‌پذیری در کالای استفاده شده			
زیاد	کم		
کالاهای خصوصی	کالاهای عوارضی	کم	سختی انحصاری نمودن و محدود کردن منتفعین بالقوه
منابع مشترک	کالاهای عمومی	زیاد	

منبع: (Olson, 1965)

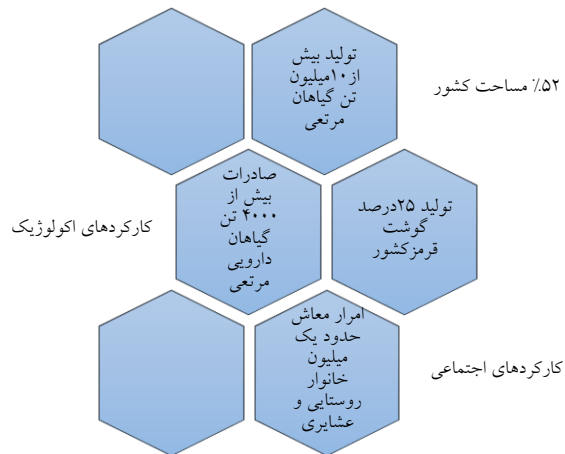
در کشور ما در بین منابع مشترک، مراتع دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است. چرا که به گزارش سازمان «جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری» که نهاد متصدی این بخش به حساب می‌آید، بیش از ۵۲ درصد از سطح کشور را مراتع تشکیل می‌دهند که وسعت قابل توجهی است. سرانه مرتع در کشور ۱,۳۲ هکتار و سرانه جهانی آن ۸۲ هکتار است. طبق تعریف مرتع زمینی است با پوشش گیاهان طبیعی خودرو که پوشش گیاهی آن غالباً علفی

چندساله، بوته‌ای، بعضاً درختچه‌ای و به ندرت دارای درختان پراکنده است (مرادی و میردیلمی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶)

همچنین دارای کارکردهای متعددی از قبیل تأمین گیاهان دارویی و صنعتی بومی و اختصاصی ایران، حفظ آب و خاک، حفظ ذخایر ژنتیک گیاهی و جانوری و در صورت فراهم بودن شرایط یکی از منابع تأمین خوراک دام و وحوش است. برخی از صاحب-نظران معتقدند مراتع بیش از آنکه از دیدگاه تعلیف دام دارای اهمیت باشد از نظر زیست‌محیطی ارزشمند است و باعث حفظ آب در زمین و جلوگیری از فرسایش خاک می‌شود که با توجه به خشکسالی در فلات ایران، این موضوع حائز اهمیت است (اسکندری، علیزاده و مهدوی، ۱۳۸۷، ص. ۲۱).

بنابراین حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری از مراتع علاوه بر مسأله تعلیف دام، از نظر زیست‌محیطی نیز دارای اهمیت است. به لحاظ اجتماعی، معیشت حدود ۹۱۶ هزار خانوار روستایی و عشایری به بهره‌برداری از مراتع وابسته است. با توجه به متوسط نفرات خانوار روستایی که بیش از پنج نفر است، جمعیت افراد روستایی و عشایری که زندگی و معیشت آنها وابسته به مرتع است، به پنج میلیون نفر می‌رسد (اسکندری، علیزاده و مهدوی، ۱۳۸۷، ص. ۲۱).

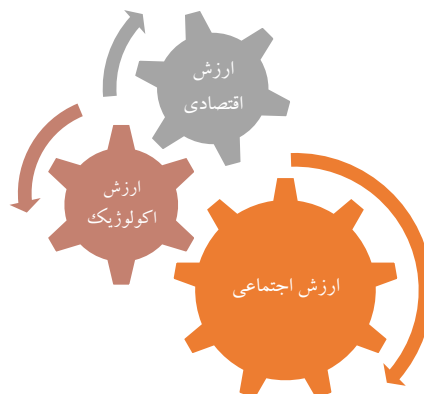
به عبارت دیگر مراتع، بستر شکل‌گیری کسب‌وکارها و فعالیت‌های جوامع بومی است (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۹، ص. ۹). لذا در صورتی که محدودیت‌های بیشتری بر استفاده از مراتع اعمال شود، ضمن اینکه معیشت و کسب‌وکار جمعیت روستایی و عشایری بیش از پیش دچار بحران می‌شود، در تأمین کالاهای اساسی کشور که وابسته به امنیت غذایی مردم است بسیار آسیب‌پذیر خواهیم شد (گرایس و هادکینسون^۴، ۱۳۹۵، ص. ۱۴).



شکل (۱): ارزش اجتماعی و اقتصادی مراتع ایران

منبع: (مرادی و میردیلمی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶)

لذا همان‌طور که در نگاره زیر مشخص است مراتع دارای سه کارکرد یا ارزش اصلی شامل «ارزش اقتصادی»، «ارزش اکولوژیک» و «ارزش اجتماعی» است. این ارزش‌ها به صورت منسجم در تعامل با یکدیگر هستند و نبود هر کدام ممکن است اثر دیگری را خنثی کند.



شکل (۲): ارکان اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیک در نظام مرتع‌داری

منبع: (اسکندری، علیزاده و مهدوی، ۱۳۸۷)

این منابع ارزشمند اقتصادی به‌طور سنتی توسط مردم اداره شده و این سبب شده است که این منابع در طول سالیان متمادی در تمدن ایران اسلامی به خوبی حفظ شده و به شکل پایدار باقی بماند. اما متأسفانه در دوره تاریک پهلوی دوم و بعد از اجرای سیاست‌های اصلاحات ارضی و قانون ملی‌شدن جنگل‌ها و مراتع، اختیار اداره مراتع و زمین‌های اطراف روستاها از اختیار عشایر و بومیان مناطق خارج شده و به بخش‌های دولتی واگذار شد.^۵ این تحولات که در ادامه به تفصیل بیان می‌شود، همراه با برخی تغییرات دیگری که در صد ساله اخیر به شکل تدریجی در ساختارهای کلان اقتصادی و اجتماعی کشور ایجاد گردید، سبب عدم بهره‌گیری مناسب اقتصادی از این منابع طبیعی و بعضاً شکل‌گیری ویژه‌خواری‌هایی گردید. همراه شدن با دلسوزان این حوزه نشان می‌دهد که بازخوانی و تحلیل تغییرات ایجاد شده صرفاً در عرصه قوانین و مقررات به خوبی بازنمای این تحول نیست و لازم است تا چارچوب‌هایی فراتر در این زمینه استفاده نماییم. از این رو چارچوب تحلیل نهادی مبتنی بر حقوق مالکیت و قواعد نهادی برای بررسی دقیق این حوزه مورد توجه قرار گرفت. سؤال اصلی که محققان در این تحقیق در پی پاسخ به آن می‌باشند عبارت است از اینکه در نظام مطلوب حکمرانی منابع مشترک با تأکید بر مراتع چه نسبتی از حقوق مالکیت و قواعد نهادی برقرار است؟ این نظام حکمرانی با تأکید بر نگاه فقهی مرحوم امام خمینی (ره) و در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. تحولات نظام حکمرانی منابع مشترک طبیعی در ایران

حکمرانی، چارچوبی است مشتمل بر معیارها و استانداردها، رویه‌ها و اصول حکومت-داری که دولت‌ها از طریق آن امور عمومی را به انجام می‌رسانند و منابع عمومی را اداره می‌کنند (زارعی، حسنونند و سلمانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۵). حکمرانی به تمام فرآیندهای اداره اموری اطلاق می‌شود که از سوی دولت، بازار و شبکه یا از طریق خانواده، قبیله، سازمان رسمی و غیررسمی، قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان اعمال می‌شود. لین در تعبیری دیگر اشاره می‌کند که حکمرانی شامل بازیگران - خواه افراد بین‌المللی، اداره‌های دولتی یا خصوصی جوامع، گروه‌های سیاسی و اجتماعی، اشخاص حقیقی است - که

هدایت شده یا جهت داده شده‌اند تا بتوانند اهدافی را که معین و مشخص است محقق کنند (Lynn, 2010, p. 129).

در کشور ما از گذشته منابع مشترک طبیعی از جمله جنگل‌ها و مراتع به صورت سنتی توسط جوامع بومی و محلی اداره می‌شده است. به این صورت که با شکل‌گیری نظام‌های اجتماعی - اقلیمی، اهالی بومی هر منطقه با سازوکارهای خاص خود به بهره‌برداری و احیای منابع می‌پرداختند. بسیاری از زمین‌ها، خواه به صورت مرتع، جنگل و یا زمین زراعی در اختیار خان‌ها و اربابان هر منطقه بوده و با تنظیم‌گری‌های خاص خود به سامان آن منابع می‌پرداختند. در برخی موارد خراج یا مالیاتی را نیز به حاکمان دولتی پرداخت می‌کردند (لمتون، ۱۳۳۹، ص. ۵۱۷). تصمیمات مربوط به مراتع و حل و فصل اختلافات مربوط به آن به عهده کدخدایان بوده است. قبل از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع، مدیریت بیش از ۷۰٪ منابع مرتعی با کمک چنین ساختاری صورت غیردولتی و غیرمتمرکز اداره می‌شد (اسکندری، علیزاده و مهدوی، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۷). به این نحو که حق مالکیت عرفی آن در اختیار جوامع بومی بوده و آنها قواعد و نحوه بهره‌برداری را تعیین می‌کردند (ازکیا و ایمانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲).

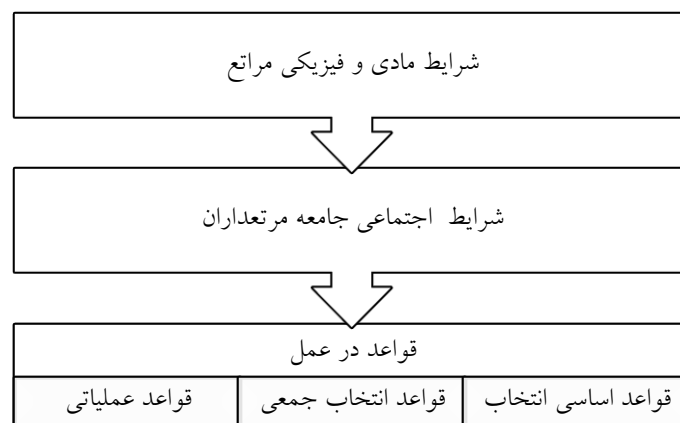
فارغ از اینکه در این نهادها و خرده‌نظام‌های سنتی که در طول سالیان دراز شکل یافته بود معایب و کمبودهایی مشاهده شده است، اما عواید و منافع را نیز برای کشور به همراه داشته است. از جمله اینکه به صورت غیرمتمرکز و غیردولتی به رونق آبادی خود، تأمین امنیت و تنظیم‌گری می‌پرداختند (صفی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص. ۴۵). اما با ایجاد تغییرات فرهنگی از یک سو و میل حاکمیت در تغییر موازنه قدرت توزیع شده در کشور از سوی دیگر، حرکت به سمت تغییر در ترتیبات نهادی^۶ و حکمرانی زمین به‌طور عام و منابع مشترک مرتعی به تبع آنها به وجود آمد.

سازوکاری که در کشور در سده اخیر برای سازماندهی بهره‌گیری از منابع طبیعی به‌کار گرفته شده، ورود و نظارت تدریجی، فراگیر و مستقیم دولت در بهره‌گیری از منابع مشترک است. مجموع شرایط اقتصادی و سیاسی در طول زمان باعث شد که با تصویب و اجرای قانون «ملی شدن جنگل‌ها و مراتع» در سال ۱۳۴۱، مدیریت و استفاده از منابع مشترک از جمله مراتع از دسترسی و مالکیت عمومی خارج شد و در اختیار اداره بخش

دولتی قرار گرفت (آبراهامیان، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۸). این تغییر مسائل و پیامدهای نامطلوبی را به همراه داشت که موجب تخریب کمی جنگل‌ها و مراتع، ناپایداری معیشتی کسب-وکارهای وابسته به جنگل‌ها و مراتع و تضعیف نظام‌های اجتماعی آن شده است (میردیلمی و مرادی، ۱۳۹۷، ص. ۴۰۸).

۲-۱. الگوی تحلیل نهادی

نهادهای اجتماعی چه به عنوان نظامات و قواعد بیرون از افراد معنابخشی شده باشند و یا به عنوان عادات ذهنی پایدار و شناخت‌های مشترک شده شناخته شوند، یکی از عناصر کلیدی مؤثر بر رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف هستند. شاید در تعریفی ساده بتوان نهادها را به عنوان نرم‌افزار سازماندهی تعاملات انسانی ترجمه نمود (Kiser & Ostrom, 1982). الینور استرم مبتنی بر سال‌ها تحقیق در این حوزه، الگوی جامعی را برای کالبدشکافی و فهم محتوای نهادها با عنوان چارچوب تحلیل و توسعه نهادی^۷ (IAD) ارائه کرده است. وی در این الگو تلاش داشته تا با در نظر گرفتن تنوع موقعیت‌ها و ناظر به مسأله منابع مشترک و قواعد شکل‌دهنده موقعیت‌های کنش در نهادها به بحث و نظریه‌پردازی در این زمینه بپردازد. (ostrom, 2005).

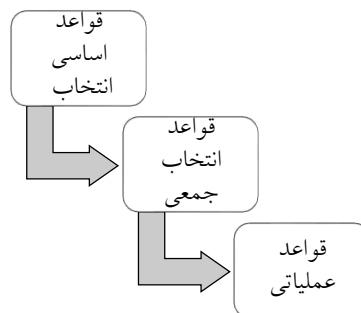


شکل (۳): سطوح اثرگذاری شرایط مادی و اجتماعی بر قواعد در عمل

منبع: (ostrom, 2005)

قواعد نهادی و به‌طور خاص قواعد شکل‌گیری کنش جمعی رکن مهم دیگری در حکمرانی منابع مشترک است. این قواعد مجموعه الزامات یا هنجارهایی است که یک

کنش جمعی را بین مجموعه افراد سامان می‌دهد. یک تعریف برگزیده در خصوص کنش جمعی به این صورت است: «کنش‌هایی که توسط یک گروه از افراد برای رسیدن به منافع مشترک اتخاذ می‌شود (Marshall, 1998). یک کنش جمعی مطلوب دربردارنده مجموعه‌ای از افراد است که منافع مشترک داشته و کنش‌های مشترک و داوطلبانه‌ای را برای نیل به منافع مشترک دنبال می‌کنند (Meinzen-Dick, DiGregorio, McCarthy, 2004). همان‌طور که مشخص است کنش جمعی برآیند اقدام یک گروه یا مجموعه‌ای از افراد است و این‌طور نیست که همه آن افراد لزوماً جهت‌گیری یکسانی در تمام اقدامات داشته باشند. استرم در یک تقسیم‌بندی قواعد را در سه سطح انتخاب اساسی^۸، انتخاب جمعی^۹ و عملیاتی^{۱۰} ارائه می‌کند (استرم، ۱۳۹۴، ص. ۳۴۴).



شکل (۴): سطوح قواعد نهادی

منبع: (استرم، ۱۳۹۴، ص. ۳۴۴)

لایه عملیاتی شامل انواع انتخاب‌های روزانه کنشگران اقتصادی و اجتماعی (چگونگی تولید، بهره‌برداری، مصرف، خرید، فروش، اجاره و نظایر آنها) است. در واقع همان اقدامات و تصمیماتی است که بازیگرانی که در این سطح قرار دارند برای امور معمول خود رقم می‌زنند.

لایه انتخاب جمعی صرفاً، شامل انواع قاعده‌گذاری‌ها در خصوص نحوه این انتخاب-های روزانه است که در چارچوب این الگو و در صورت تحقق شرایطی مشخص، بایستی بخشی از آن توسط همان کنشگران لایه عملیاتی و به صورت کاملاً محلی صورت پذیرد. عموماً در زمانی که انحصار در منافع بالقوه کالا دشوار باشد، تنها با کوچک‌تر کردن

محیط فعالیت و به واسطه عنصری به نام ارتباطات متقابل یا «مذاکرات عادی و کم هزینه»^{۱۱} میان بازیگران اجتماعی درگیر در محیط، خواهیم توانست از بروز شکست در سیستم (مثلاً به واسطه سواری مجانی) جلوگیری نمود (استرم، ۱۳۹۴، صص. ۲۳۹-۲۶۴).

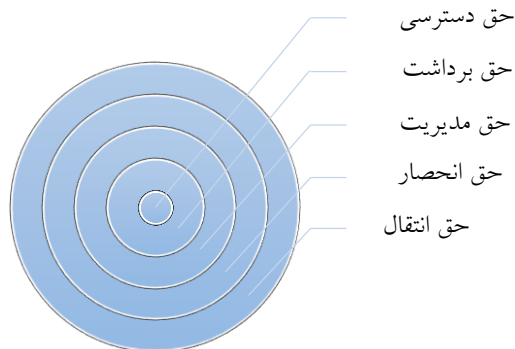
لایه اساسی نیز که عموماً وظایف دولت‌ها و سازمان‌های ملی را پوشش می‌دهد، شامل تعیین قواعدی است که با ایجاد الگوهای مناسبی از توزیع قدرت، بستر ایجاد توزیع محلی حقوق لایه تصمیم جمعی را فراهم آورد. این حکمرانی محلی به معنای شکل‌گیری سازمانی ملی، متشکل از تمامی قاعده‌پذیران نخواهد بود. بلکه بحث پیرامون آن است که بجای آنکه یک دولت مرکزی بخواهد مباحث مرتبط با تدارک تمامی کالاها و خدمات غیرخصوصی را برعهده داشته باشد، نهادهایی کوچک و متشکل از بازیگران محلی به تولید قواعد مرتبط با تدارک این کالاها و خدمات بپردازند (Geoffrey, Buchanan, 1985).

۳-۱. طیف حقوق مالکیت

قواعد بهره‌برداری از منابع مشاع ریشه در حقوق مالکیتی دارد که البته این حقوق مالکیت خود بر اساس قواعد تأسیسی و فراتأسیسی هر جامعه تعیین می‌شود. از این رو شناخت این حقوق کمک می‌کند تا بتوانیم فهم بهتری از زمین بازی و تعامل‌هایی داشته باشیم که در ناحیه کنش صورت می‌گیرد. در تحلیلی که استرم در مورد بررسی حقوق مالکیت منابع مشاع انجام داد. با توجه به میزان اقتدار افراد در تعیین میزان بهره‌گیری خود و دیگران از منابع مشاع، پنج گونه حق مالکیت را پیشنهاد نمود (Ostrom, 2003, p. 249):

۱. حق دسترسی^{۱۲}: حق ورود و لذت بردن بدون برداشت از آن منطقه
۲. حق برداشت^{۱۳}: حق ورود همراه با امکان برداشت از منابع آن منطقه
۳. حق مدیریت^{۱۴}: حق مدیریت و تنظیم فضای داخلی آن منطقه و مدیریت منابع
۴. حق انحصار^{۱۵}: حق تعیین اینکه چه کسی دسترسی داشته باشد و چگونگی انتقال آن حق. به عبارتی تعیین می‌کند که چه کسی از حق مدیریت می‌تواند برخوردار باشد.

۵. حق انتقال و واگذاری^۶: امکان فروش و یا واگذاری انحصار را در اختیار دارد و معین می‌کند چه کسی باید از حق انحصار برخوردار باشد.



شکل (۵): انواع پنج‌گانه حق مالکیت

منبع: (Ostrom, 2003)

۴-۱. مالکیت و احیاء منابع طبیعی در نگاه امام خمینی (ره)

در خصوص مالکیت منابع طبیعی و اینکه با چه شرایطی در دایره انفال محسوب می‌شوند بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. در یک روایت حفص بن البختری از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند: «انفال شامل ثروت‌هایی است که در اثر مصالحه به دولت اسلامی منتقل شده و یا قومی خودشان به مسلمانان بخشیده باشند و نیز زمین‌های موات و ته دره‌ها است. این ثروت‌ها در ملک رسول خدا (ص) و بعد از ایشان برای امام (ع) است و در مواردی که مصلحت بداند مصرف می‌کند» (فراهانی فرد، ۱۳۹۴، ص. ۸۶). حتی با فرض اینکه منابع طبیعی جزء انفال است، در صورتی که عملیات احیا بر روی آن صورت بگیرد، حق اولویت و حتی مالکیت برای بهره‌بردار ایجاد می‌کند.

در خصوص مالکیت و بهره‌برداری مباحث مختلفی مطرح است و از جمله شرطیت اذن امام برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و امکان ایجاد ملکیت با بهره‌برداری و احیا که بسیار مورد بحث بوده است. برخی از فقها مبتنی بر روایات این طور استدلال کرده‌اند که با احیا کردن فقط حق اولویت ایجاد می‌شود. اما برخی دیگر از جمله مرحوم امام خمینی کار را عامل انتقال مالکیت دانسته‌اند.

ایشان در مسأله ۲۶ در کتاب تحریرالوسیله به موارد احیائی که ملک‌آور است اشاره می‌کنند که عبارت است از اینکه «زمین مرده‌ای را زنده کند و از حالت خرابی به آبادانی درآورد و معلوم است که آبادانی زمین به این است که باغی و مزرعه‌ای بشود حال یا به اینکه خودش در آنجا خانه و زندگی داشته باشد و یا آنکه برای احشامش طویله و زاغه‌ای و آغلی درست کرده باشد، و یا مثلاً جائی برای خشکاندن میوه و یا انبار کردن هیزم و امثال اینها ساخته باشد، بنابراین در صدق عنوان احیاء باید کاری کرده باشد و به جائی رسانده باشد که به حسب تشخیص عرف مصداق یکی از عناوین زیر قرار گرفته باشد، یا عرف آنجا را مزرعه بداند و یا روستا و محل زندگی یک خانوار بشمارد و در صدق این عناوین تحقق اولین مرتبه آن کافی است و لازم نیست تمامی جزئیات یک مزرعه را تکمیل کرده باشد تا احیاء صدق کند. بلکه اگر به این حد از کمال نرسانده باشد هرچند که کار زیادی کرده باشد باز احیاء نیست بلکه تحجیر است که ملکیت نمی‌آورد و تنها مفید حق اولویت است» (موسوی همدانی، ۱۳۷۰، ص. ۵۴۳).

از منظر امام خمینی احیاء مفید ملکیت است. هرچند که به عقیده ایشان در تملک به احیاء اینک شخصیه به وسیله تحجیر بر آن سبقت نگرفته باشد شرط است و همانند تملک به حیازت، شرط قصد تملک ظهور دارد. لذا اگر فرد بدون قصد مالک شدن احیاء نماید مالک نمی‌شود (موسوی همدانی، ۱۳۷۰، ص. ۲۰۷). درخصوص مصداق احیاء هر موردی اختلاف وجود دارد. بین احیاء زمین زراعی با دیمزار یا جایی که برای نگه داشت دام است مصداق احیاء متفاوت است. گاهی احیاء کردن به بذریاشی یا آب رساندن به زمین یا ایجاد یک چهاردیواری است (موسوی همدانی، ۱۳۷۰، ص. ۵۴۳).

علاوه بر آن طبق قاعده «ید» مراتع در طول صدها سال در اختیار بهره‌برداران و مردم محلی بوده است و از این جهت این منابع به لحاظ فقهی در مالکیت آنها محسوب می‌شود. چراکه ید کاشفیت از مالکیت دارد. بنابراین قاعده ید در تعارض با اصولی مانند استصحاب مقدم محسوب می‌شود. زیرا امارات در تعارض با اصول، مقدم است و حاکم بر آن هستند (دهقان و دهقان، ۱۳۹۴، ص. ۵).

با پذیرفتن امکان مالکیت افراد بر منابع طبیعی، اسلام مالکیت خصوصی را به عنوان حقی که متضمن مسئولیت است قبول دارد. نه به عنوان یک تسلط مطلق. از این جهت

امام خمینی ضمن آراء خود به حق نظارت دولت بر منابع طبیعی صحنه می‌گذارد (کفاش، ۱۳۹۳، ص. ۷۳).

۵-۱. منطق حاکم بر حکمرانی مراتع در جهان

در این قسمت به مطالعات موردی درخصوص حکمرانی مراتع در برخی کشورها اشاره می‌شود و در نهایت منطق کلی بازسازی حکمرانی در این کشورها بیان می‌شود.

کنیا: در کنیا یک رویکرد روش‌شناسانه مناسب برای بازسازی نظام حاکم سنتی مراتع در مناطق خشک کنیا به نمایش گذاشته شده است. این پروژه باهدف بهبود حکمرانی منابع طبیعی و در تلاش برای حمایت بهتر از امنیت معیشتی و مدیریت اکوسیستم در خشکی‌های گارباتولا است.

ایالات متحده آمریکا: تجربه نظام حکمرانی منابع مشترک در ایالات متحده نشان می‌دهد که مرتع‌داران به مقابله با محدودیت‌های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی پراکنده در سه ایالت آمریکای شمالی (کالیفرنیا، آریزونا و تگزاس) پرداخته‌اند. در هر سه ایالت سازمان مردمی تلاش می‌کنند که توانایی گله‌دار را برای بهره‌مندی از مراتع افزایش دهد. نیاز برای تلاش مشارکتی بین آنها در شرایطی است که چراندن وابسته به میزان زیادی زمین است و گله‌داران مالک آن نیستند. اما حتی در تگزاس در حالی که بیشتر زمین چرای متعلق به گله‌داران است، سازمان‌های مردمی توسعه یافته تا شبکه روابط اجتماعی و نهادی که گله‌داران را در محل نگه می‌دارد پیش ببرد و به آنها کمک می‌کند که از مراتع نفع ببرند. همه این گروه‌ها متکی به خلق ارتباطات بین گله‌داران و بین رابطه آنها با نهادهای مدیریتی و تنظیمی هستند و دانش، نیرو و منابع را به اشتراک می‌گذارند. هر کدام که از گروه‌ها از تحقیق و خط‌مشی حمایت می‌کند که افراد از مرتع‌داری نفع ببرند به طوری که خود آنها به تنهایی قادر به آن نبودند. در نهایت همه آنها از مراتع سود می‌برند (Herrera, Davies, Baena, 2014, p. 92).

تونس: در تونس از سال ۱۹۸۸ به سمت خصوصی‌سازی حرکت کرده‌اند و دولت به ارتقای نظام تصدی سنتی زمین پرداخته است. از ۱۹۳۰ در قراردادهای اجاره، زمین‌ها به افراد واگذار شد. مشروط به آنکه در آخر افراد بتوانند زمین را بخرند. این موضوع تأثیر قابل توجهی به زندگی و معیشت دامداران داشت. اغلب گفته می‌شود که واگذاری تصدی

مراتع در استفاده پایدار از آنها بسیار مؤثر است. البته بسیاری از عوامل دیگر نیز در این میان مؤثر است. در نتیجه در گسترده‌ترین نظام‌های تولید دام، هر نوع محدودیت در استفاده از منابع محلی، تأثیرات مخربی بر محیط به عنوان یک ظرفیت جدی جوامع محلی دارد (Ngaido & et al, 2000, p. 165).

مغولستان: در مغولستان جوامع مرتعی از یک گروه مردمی فراتر هستند و تفاوت‌های ذاتی در روابط اجتماعی با سایر گروه‌ها دارند. به عنوان مثال یکی از این گروه‌ها به اسم «khot-ail» است و شامل ۲-۱۲ خانوار است. مشوق‌ها در این خانوارها وابسته به دلالت‌های اجتماعی - اقتصادی است. این واحد سنتی اقتصادی و اجتماعی برای تولید دام توسط خانوارهای دامدار شکل یافته است و نوعی همیاری را با همدیگر شکل می‌دهند (Baival, 2012, p. 33). در مغولستان در خصوص مالکیت زمین و دام چند دوره پشت سر گذاشته شده است. از دوره سوسیالیستی که دولت مالک زمین‌ها و حتی دام مردم بود تا بازه کنونی که با ایجاد رگه‌های لیبرالی به سمت نوعی از مالکیت اشتراکی و حتی خصوصی مراتع حرکت شده است.

از سوی دیگر مرتع‌دارانی که در آفریقا و آسیا هستند با چالش‌های مختلف مواجه هستند. اما آنها نیازهای مشابهی را برای اداره بهتر مراتع بیان می‌کنند تا بتوانند با اطمینان خدمات بهتری برای جامعه فراهم کنند. در مورد مراتع اسپانیایی، یک میراث فرهنگی دام‌داری اصیل وجود دارد و این سؤال را ایجاد می‌کند که چگونه قرق کردن مراتع و عدم چرای دام در واقع ممکن است مشکلات زیست‌محیطی مانند آتش‌سوزی یا تنزل تنوع گیاهی را تشدید کند؟!

مطالعات موردی جمع‌آوری شده بر بازسازی و تقویت حکمرانی مراتع به عنوان یک راه مهم برای مدیریت صحیح عوارض فراوان مراتع تمرکز دارد. این ابزارها برای دستیابی به این هدف، مدیریت مبتنی بر جامعه (CBM) مراتع و حکمرانی مشارکتی زمین را برای ارتقاء و انطباق نظام‌های سنتی استفاده سرزمین و حقوق دسترسی آن را به کار می‌گیرند تا موجب افزایش پایداری شوند. هدف این است که نه تنها مدیریت مراتع بهتر صورت بگیرد، بلکه از مشکلات زیست‌محیطی که ناشی از استفاده شیوه‌های نامناسب مانند تنظیم ضعیف چرای دام است جلوگیری شود. در نتیجه معیشت مناسبی برای مردم در آن

سیستم‌ها فراهم می‌شود. بازسازی حکمرانی مراتع یک پروژه بلندمدت است که نیازمند فرصت بیشتری برای یادگیری از تجربه مرتع‌داری در سراسر جهان است (Herrera, Davies, Baena, 2014, p. 236-237).

نقص در مرتع‌داری، اغلب مربوط به تضعیف نظام‌های مدیریت سنتی است که تا همین اواخر توانسته بودند به‌طور مؤثر مدیریت این اکوسیستم‌ها را انجام دهند. اثرات ضعف حکمرانی ناشی از عدم تنظیم چرای دام و عدم تخصیص مناسب مراتع برای دیگر اهداف است (به عنوان مثال، کشاورزی شدید، دامداری^{۱۷}، بهره‌برداری معدن، شهرنشینی یا گردشگری) که منجر به فرایندهای تخریب مراتع است.

راه‌حل این مشکلات بدون توجه و نگاه به جمعیت محلی قابل ساماندهی نیست. مطابق با خط‌مشی اجتماعی (IUCN, 2000) استفاده پایدار از منابع طبیعی نمی‌تواند تا وقتی که مردم محلی دسترسی عادلانه به این منابع داشته و کنترل آنها را در اختیار داشته باشند به دست آید؛ البته بدون تبعیض جنسیتی، طبقه، قومیت، سن و یا دیگر متغیرهای اجتماعی. بر این اساس، برای شروع هر راه‌حل پیشنهادی برای بهبود مراتع و کاهش تضعیف آنها باید جوامع و کاربران محلی را از طریق به رسمیت شناختن حقوق و مسئولیت‌های آنها و اطمینان از ابزارهایشان تقویت کرد تا معیشت پایدار و توسعه انسانی حاصل شود. از طریق این توانمندسازی چندین دستاورد حاصل می‌شود که باید مورد ملاحظه و توجه باشد؛ در همه پروژه‌های توسعه و بازسازی نظام مرتع‌داری این ملاحظات لازم است (Herrera, Davies, Baena, 2014, p. 238):

- حق تصدی مطمئن و عادلانه زمین و نظام دسترسی مناسب؛
 - مشارکت در برنامه‌ریزی زمین و تصمیم‌گیری؛
 - ایجاد ظرفیت و حمایت از جوامع محلی برای توسعه مشارکت آنها؛
 - ایجاد چارچوب قانونی و نهادی که اجازه مدیریت منابع طبیعی را به جامعه بسپارد.
- برای رسیدگی به مسأله تخریب مراتع نیاز به بازسازی محتاطانه سیستم‌های مدیریت به وسیله ایجاد فرهنگ مرتع‌داری، حکمرانی و معیشت با منافع و خدماتی است که آنها ایجاد می‌کنند. ایجاد تقاضاهای مرتع‌داری نیازمند ایجاد نظام‌های مدیریت سنتی است؛ اما یک چارچوب حکمرانی لازم است که بتواند از این نظام حمایت کرده و آن را تأمین

کند. بازسازی نظام‌های سنتی و آماده‌سازی آنها برای کار در فضای تغییر جهانی غیر قابل تصور است. با این حال، نگهداری، ارتقاء، انطباق و توسعه می‌تواند منجر به بهبود و بازسازی حکمرانی مرتع در قرن بیست و یکم شود. تنها راه برای اطمینان از این احیا این است که اطمینان حاصل شود که مرتع‌داران و جمعیت محلی از ابتدا در فرایندهای مدیریت درگیر هستند و مشارکت می‌کنند (Herrera, Davies, Baena, 2014, p. 239).

۲. روش پژوهش

۲-۱. رویکرد پژوهش

رویکردی که برای پژوهش مورد نظر انتخاب شده، از نوع کیفی است. پژوهش کیفی یک نگرش و شیوه‌ای ذهنی و سیستماتیک برای توصیف عمیق تجربیات زندگی و درک و تفسیر معنای آنها با استفاده از روش‌های متنوع است. از این رو با داده‌هایی سروکار دارد که واقعیت مورد مطالعه را به صورت کلامی، تصویری یا امثال آن نمایان کرده و مورد تحلیل قرار می‌دهد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷، ص. ۱۵). مسیر پژوهش کیفی نه در مسیری تعریف شده، بلکه با رفت و برگشت‌های مکرر در تعیین دقیق نقطه مسأله و گردآوری و تحلیل داده‌ها است (Flick, 1998, p. 43).

برای بررسی مسائل در نظام حکمرانی مراتع و پیامدهای قانون ملی شدن مراتع، انجام مصاحبه و ارتباط نزدیک با بهره‌برداران مراتع و درک واقعیت ضرورت داشت که این روش‌ها در رویکرد کیفی جای می‌گیرد. این هدف از طریق گردآوری داده تفصیلی و عمیق از مآخذ اطلاعاتی چندگانه (مستندات، مصاحبه‌ها و گزارش‌ها) و ارائه توصیفی از مضمون‌های مبتنی بر مورد صورت می‌گیرد (Creswell, 2015, p. 99). بیش از ۲۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مسئولین اجرایی، خیرگان، و اساتید مرتبط با بخش حکمرانی مراتع صورت گرفته است. در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، سؤالات مصاحبه از قبل مشخص شده و از تمام پاسخ‌دهندگان پرسش‌های مشابه پرسیده می‌شود. اما آنها آزادند که پاسخ خود را به هر طریقی ارائه دهند (دلاور، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۷). علاوه بر آن از قوانین متعدد در حوزه مراتع از جمله قانون سال ۱۳۴۱ و قانون «حفاظت از جنگل‌ها و مراتع» مصوب سال ۱۳۴۶ استفاده شده است. در جدول (۲) لیست افرادی که از آنها مصاحبه صورت گرفته بیان شده است.

جدول (۲): افراد مصاحبه شونده

ردیف	گروه مصاحبه - شونده	سمت	ردیف	گروه مصاحبه - شونده	سمت
۱	مهندس نگهدار اسکندری	رئیس سابق دفتر فنی مرتع و مشاور سازمان امور عشایری	۷	دکتر سلاجقه، دکتر شریفی	رئیسان سابق سازمان ج.م.آ
۲	دکتر میزبان	مرکز تحقیقات سازمان امور عشایری	۸	آقای رضایی	مسئول بخش تعاونی‌های منابع طبیعی در سازمان ج.م.آ
۳	دکتر زهدی، دکتر بدری‌پور	اعضای شورای جنگل و مرتع	۱۱	دکتر مهرابی، دکتر ارزانی	هیأت علمی دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران
۴	مهندس اجاللی، خانم مهدوی، دکتر متولی	کارشناس دفتر فنی مرتع در سازمان ج.م.آ	۱۲	مهندس سینی - ساز، مهندس پویان‌مهر	عضو اندیشکده ایتان
۵	دکتر فهیمی	اهل ایل شاهسون - کارشناس جهاد کشاورزی	۱۱	مهندس رضاپور	عضو باشگاه کشاورزان جوان
۶	دکتر سیفی	دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران	۱۲	بهره‌برداران در شهرستان سمیرم	آقایان قره‌قانی، فردافشار، قبادیان، فرهادی و ...

برای تحلیل داده‌ها از فرآیند تحلیل مضمون^{۱۸} استفاده شد. این فرآیند برای تحلیل داده‌های کیفی است. این روش صرفاً یک روش کیفی همانند دیگر روش‌ها نیست؛ بلکه فرآیندی است که می‌تواند در اکثر تحقیقات کیفی بکار رود (Boyatzis, 1998, p. 4). به‌طور کلی تحلیل هر متن شامل چند فعالیت است (Ryan & Bernard, 2003, p. 85):

(۱) کشف مضامین خرد؛ (۲) غربال کردن مجموعه مضامین به تعداد کمتر که قابل مدیریت باشند؛ (۳) ساخت سلسله مراتبی از مضامین؛ (۴) اتصال برقرار کردن بین کدها از طریق طراحی یک مدل تئوریک. در این پژوهش داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری و قواعد مرتبط با حکمرانی مراتع در سه سطح عملیاتی، انتخاب جمعی و اساسی مقوله‌بندی و مستخرج شده است. در فرآیند کدگذاری ۴۵۰ کد باز در ۸۰ مضمون اصلی دسته‌بندی شده است. در شکل (۶) قسمتی از مضامین نمایش داده شده است.

The screenshot shows the MAXQDA 10 software interface. The main window displays a document titled 'سنسنتا- خانم رضوی- دیداری- از در- نقی زاده'. The document content is in Persian and includes the following text:

باسمه تعالی
 مؤسسه سنسنتا
 ۲/۵/۹۸ چهارشنبه
 آقای دیداری:
 سیریم ایل قشقای هیستند و خوب می‌توانید کار کنید. طایفه فارسی
 مدان.
 طالقان، بافت روستایی است ولی در حاشیه هیستند.
 مهدی شهر، عشایر سنگسری هیستند. هویت بومی وایلی دارند.
 بزرگترین مسیر کوچ در حدود ۷۰۰ کیلومتر دارند. خانواده همراه
 آنها نیست. سنگسری ها حدود ۴۰۰ نوع فراوری لبنی دارند. دکتر
 شاه‌حسینی کار کرده است. با دکتر فرهادی کار می‌کنند.
 سیریم و مهدی شهر دارای اولویت هیستند.
 ایل ابولحسینی در شاهرود هیستند و البته در قلمرو سنگسری ها هم

The left sidebar shows a 'Code System' with 472 codes. The visible codes include:

- نظام مطلوب مرتعداری
- لزوم پیوست اجتماعی و فرهنگی پروژه های منابع ط
- پایدار بودن نظام اجتماعی خان
- مردم محلی (عشایر و روستایی) صاحبان مراتع
- استفاده از دانش در بهره‌گیری از مراتع
- فناوری در خدمت بهره برداران مراتع
- درآمد پایدار بهره برداران
- کاهش هزینه های مرتعداری
- اقتصاد بودن مراتع
- ضرورت استفاده از تجربه مرتعداری در کشورها
- مبنا قرار گرفتن حوضه آبخیز
- مدیریت بهینه های مرتعی
- اهمیت اقلیم در سازگار بهره برداری
- خدمات حوزه آبخیز
- تناسب ظرفیت اقلیمی و اقتصادی اکوسیستم
- ضرورت نگاه جامع به حوضه آبخیز

شکل (۶): تحلیل مضامین در نرم‌افزار MAXQDA

۲-۲. روایی و پایایی یافته‌ها

برای رسیدن به روایتی قابل اتکا در پاسخ به مسأله این مقاله، از فرآیند کثرت‌گرایی^{۱۹} استفاده شده است. به عبارتی سعی شده است از زوایای مختلف به این مسأله نگریسته شود تا همه ابعاد این ماجرا کشف شود. کثرت‌گرایی هم با استفاده از مصاحبه‌های متعدد با ذینفعان مختلف که ابعاد مختلف موضوع را پوشش می‌دهند صورت گرفته و هم در شیوه به‌کار گرفته شده است که به معنای ترکیب داده‌ها و سبک‌های پژوهشی است (نیومن، ۱۳۸۹، ص. ۳۱۲). قسمتی از تحلیل مضامین در شکل ۶ نشان داده شده است.

۳. تحلیل یافته‌ها

در این بخش در ابتدا مبتنی بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به مهم‌ترین شاخص‌ها در طراحی نظام حکمرانی منابع مشترک پرداخته می‌شود. پس از آن با تحلیل داده‌های مستخرج از مصاحبه‌ها، جایگاه هر یک از حق‌ها در این نظام تعیین شده است. در نهایت در یک ماتریس سیاستی با بررسی مؤلفه‌ها مستقل و وابسته در نظام منابع مشترک، سیاست‌های نهایی ارائه شده است.

۳-۱. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

یکی از سیاست‌های بالادستی نظام جمهوری اسلامی، سیاست‌های ناظر به اقتصادی مقاومتی است که توسط مقام معظم رهبری و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در بهمن ۱۳۹۲ ابلاغ شده است. این سیاست‌ها در چند بند به مواردی ناظر به اداره پایدار منابع مشترک با محوریت بخش مردمی و توانمند کردن آنها اشاره کرده است که مورد بحث قرار می‌گیرد.

در اولین اصل این سیاست‌ها به استفاده از کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی برای تسهیل مشارکت دادن آحاد مردم در فعالیت‌های اقتصادی و ارتقا درآمد آنها از این طریق اشاره شده است.^{۲۰} به این منظور لازم است که شرایط حقوقی و تنظیمی برای نقش‌آفرینی مردم به خصوص در استفاده از منابع مشترک هرچه بیشتر تسهیل شود. همچنین به تقویت جایگاه طبقات کم‌درآمد اشاره شده است. متأسفانه پس از اجرای قانون «ملی شدن جنگل‌ها و مراتع» در سال ۱۳۴۱ جایگاه بهره‌برداران محلی بسیار تضعیف

شده است که باید بازنگری و اصلاح شود. این اصل با واگذاری حق مدیریت و مالکیت به بهره‌برداران عرفی محقق می‌شود.

در اصل ششم و هفتم این سیاست‌ها به افزایش تولید کالاهای اساسی در داخل در راستای امنیت غذایی تأکید شده است.^{۲۱} با توجه به اینکه یکی از کالاهای اساسی که لازم است تولید آن در داخل کشور انجام شود گوشت و محصولات لبنی است، به‌کار گرفتن ظرفیت مراتع برای دامداری مبتنی بر علوفه‌های مرتعی به صورت بهینه و پربازده ضرورت دارد. این در حالی است که به دلیل برخی سیاست‌های ناکارآمد، از ظرفیت مراتع به‌طور کامل استفاده نمی‌شود و دولت بارها مجبور شده برای تأمین گوشت به واردات گوشت از دیگر کشورها مبادرت کند. ناگفته نماند که در روش تولید گوشت در دامداری‌های صنعتی وابستگی بسیار زیادی ناظر به نهاده‌های مصرفی وجود دارد و مکرر شاهد آن هستیم که به دلیل وابستگی به خارج و تغییرات ارز و افزایش قیمت نهاده‌ها، این کالای اساسی دست‌خوش نابه‌سامانی شده است. از این جهت اصلاح نظام حکمرانی منابع مشترک به خصوص منابع طبیعی در مسیر بهره‌برداری پایدار دارای جایگاه ویژه‌ای است. در اصل دهم به حمایت از صادرات کالاها و برنامه‌ریزی برای تولید ملی و ایجاد بازارهای جدید تأکید شده است.^{۲۲} در این راستا یکی از مزیت‌های اقتصادی کشور، گیاهان دارویی بومی است که در مراتع و جنگل‌ها وجود دارد و دارای ارزش اقتصادی بسیار زیادی است. از این جهت در صورتی که با به‌کار گرفتن ظرفیت بخش مردم و ایجاد زمینه برای آنها امکان بذرپاشی و تولید این گیاهان در بستر مراتع فراهم شود، مزیت قابل توجهی برای بهره‌برداران محلی و کشور ایجاد خواهد کرد.

در اصل نوزدهم به شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن تأکید شده است.^{۲۳} با توجه به اینکه وضعیت منابع طبیعی و به خصوص مراتع با قانون ملی شدن در قالب مالکیت دولتی قرار گرفته است، ساختار متزلزلی ایجاد شده است که امکان سوءاستفاده و فساد را ایجاد کرده است. هرچند که یکی از ادعاهای مطرح برای مالکیت دولتی منابع طبیعی صیانت و جلوگیری از تغییر کاربری‌ها بوده است، اما پرونده‌های قضایی مرتبط با فساد در این بخش چشم‌گیر است. لذا با شفاف‌سازی از طریق تعیین مالکیت به صورت

غیردولتی و تعیین کاربری مراتع، این انتظار می‌رود که بخش قابل توجهی از معضلات حقوقی در این بخش مرتفع شود.

۲-۳. طراحی طیف مطلوب حق مالکیت و قواعد سطوح مختلف برای کنشگران مختلف

طیف حق مالکیت در سطح «انتخاب جمعی» تعریف شده است که در موقعیت تعامل حاکمیت و مردم است. از این جهت طراحی قواعد و سپردن هر قسمتی از حق به سازمان‌های حاکمیتی به تنهایی بی‌معناست. بلکه این حقوق به بهره‌برداران یا تلفیقی از تعامل بهره‌برداران و دولت سپرده می‌شود. با توجه به طیف حقوق مالکیت در جدول قبل، این قواعد حقوقی در نظام حکمرانی مطلوب قابل بازطراحی است.

❖ **حق دسترسی:** کمترین حق که «حق دسترسی» است در اختیار عموم مردم قرار دارد. همه می‌توانند به فضاهاى طبیعی ورود داشته باشند و از زیبایی مناظر و طراوت این محیط استفاده کنند. از این جهت محدودیت خاصی را نمی‌توان در نظر گرفت؛ مگر آنکه فرد مالک یا بهره‌بردار اصلی مرتع امکانات و خدمات خاصی را در عرصه ایجاد کرده و از این جهت با ایجاد محدودیت‌هایی از سواری مجانی جلوگیری به عمل آورد. به عنوان مثال مراتعی که برای ایجاد پارک‌های مصنوعی به بهره‌برداران واگذار می‌شود دارای چنین شرایطی است و حق ورود از گردشگران دریافت می‌شود.

❖ **حق برداشت:** در سطح بعدی «حق برداشت» تعریف شده و بهره‌برداران محلی و بهره‌برداران مجاز، امکان ورود و برداشت از مراتع را در اختیار دارند. در صورتی که افرادی غیر از بهره‌برداران محلی درخواست بهره‌برداری از یک مرتع داشته باشند، با رضایت و اجازه بهره‌برداری این مجوز صادر می‌شود که به آنها «بهره‌بردار مجاز» گفته می‌شود. این حق برای برداشت گیاهان دارویی، چرای دام یا سایر کسب و کارهایی است که در مراتع قابل طراحی است. در قبال استفاده از این حق دولت می‌تواند مالیات را به نسبت ارزش اقتصادی مرتع در نظر گرفته و دریافت کند. کارکرد اقتصادی این وجه مالی از آن جهت است که عرصه بدون استفاده باقی نماند و حتماً از بهره‌وری اقتصادی برخوردار باشد. و از سویی عموم جامعه نیز از این موهبت به نوعی منتفع شوند. از طرف دیگر به نحو عادلانه‌ای تمایز میان مراتع غنی و مراتع ضعیف با اخذ مالیات‌های نسبی

مشخص می‌شود. یعنی به نسبتی که فرد از عرصه طبیعی بهره برده است حدی از مالیات را پرداخت می‌کند.

❖ **حق مدیریت و زمامداری:** در سطح بعدی «حق مدیریت و زمامداری» تعریف شده و در اختیار بهره‌برداران است. با توجه به این الگو که هر یک از بهره‌برداران عرفی، مالک سامان عرفی خود است، آنها می‌توانند به صورت خصوصی یا جمعی به مدیریت سامان عرفی خود بپردازند و قواعد مربوط به قلمرو خود را تعیین کنند. اعم از تعیین تقویم چرا، نوع کسب و کار، قرق کردن و سایر امور مربوط به عرصه. با توجه به اینکه این حق مدیریت به بهره‌بردار واگذار می‌شود دولت نمی‌تواند دخالت خاصی در این سطح در خصوص بهره‌برداری به صورت جمعی یا فردی داشته باشد. البته دولت یا مؤسسات مردم‌نهاد می‌توانند الگوهایی برای ایجاد تشکل و نظام همیاری در اداره مراتع ارائه دهند که خارج از موضوع قواعد سطح اساسی است.

در شرایطی که بافت اجتماعی در قالب یک طایفه یا تشکیلات برقرار است، حق مدیریت در اختیار نماینده بهره‌برداران که رئیس طایفه یا تشکیلات است قرار می‌گیرد. اینکه رئیس این تشکیلات با چه سازوکاری مشخص می‌شود برعهده خودشان قرار دارد.

❖ **حق انحصار:** سطح بعدی یعنی «حق انحصار» است که به صورت اشتراکی در اختیار بهره‌بردار محلی و شبکه اجتماعی بهره‌برداران است. در بخش بعدی در قسمت شبکه اجتماعی بهره‌برداران توضیح داده می‌شود که این شبکه متشکل از نمایندگان بهره‌برداران و نماینده سازمان‌های حاکمیتی یعنی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری است. این شبکه با شکل‌گیری کنش جمعی و با استمزاج از عرف و اهالی محل یا بهره‌برداران محلی، تعیین می‌کنند که چه کسی دارای اولویت برای بهره‌برداری در یک موقعیت است. در واقع مشخص می‌کنند که بهره‌برداران اصلی که از گذشته یردهای^{۲۴} اختصاصی را در اختیار داشتند چه کسی یا کسانی هستند. دولت چون به‌طور جزئی و دقیق از وضعیت هر منطقه و عرف آن اطلاع ندارد، به تنهایی نمی‌تواند برای این موضوع تعیین تکلیف کند. از طرف دیگر برای رسمی و قانونی شدن این انحصار نیاز به حضور یک نماینده رسمی و حاکمیتی است تا از دعاوی احتمالی جلوگیری کند و ثبت رسمی و قانونی صورت بگیرد.

❖ **حق انتقال:** سطح بعدی که «حق انتقال» است همچون سطح قبلی با تعامل جمعی شبکه اجتماعی بهره‌برداران صورت می‌گیرد. در واقع بهره‌بردار از آنجا که مالک مرتع خود است به صورت قانونی این اختیار یا اجازه را دارد که آن را به دیگری واگذار کرده، اجاره دهد، بفروشد و یا به ارث بگذارد و هیچ محدودیتی از این حیث برای وی وجود ندارد. اما برای رعایت برخی ملاحظات حاکمیتی در خصوص مسأله اراضی کشور که با امنیت ملی گره خورده است، فرآیند واگذاری در بستر شبکه اجتماعی بهره‌برداران که نماینده حاکمیتی و نماینده بهره‌برداران حضور دارد صورت می‌گیرد. همچنین با این سازوکار حقوقی، از هر گونه اختلاف و دعاوی احتمالی جلوگیری به عمل می‌آید. چرا که نقل و انتقال اراضی ثبت رسمی شده و به صورت قانونی و شفاف این واگذاری صورت می‌گیرد.

۳-۳. **تنوع نهادی: تنوع اقلیمی منجر به تنوع سازوکارهای اجتماعی**

کشور از اقلیم‌های مختلفی برخوردار است و پوشش گیاهی مراتع، ظرفیت‌های اقتصادی متمایزی را در مناطق مختلف ایجاد می‌کند و در نتیجه نیازمند نظام حقوق مالکیت و سازوکار بهره‌برداری خاص خود است. در برخی مناطق از جمله شمال کشور که در حاشیه دریای خزر قرار دارد پوشش گیاهی بسیار غنی و خوب است و ظرفیت اقتصادی بسیار بالایی را ایجاد می‌کند. اما در برخی مناطق از جمله در شرق کشور پوشش گیاهی بسیار ضعیف است.

از سوی دیگر فرهنگ‌ها و شرایط اجتماعی در نقاط مختلف کشور یکسان نیست. در برخی نقاط از جمله در سیستان و بلوچستان هنوز فرهنگ طایفه‌ای دیده می‌شود که این فرصت بسیار خوبی را برای استفاده از نظام اجتماعی در آن محل ایفا می‌کند. اما در بسیاری از نقاط دیگر کشور چنین فرهنگی دیده نمی‌شود. لذا در مناطقی که فرهنگ طایفه‌ای حاکم است می‌توان از این نظام اجتماعی برای احیای نظام‌های همیارانه مرتع-داری استفاده کرد. البته نمونه‌های دیگری از همیاری در گوشه و کنار کشور مشاهده می‌شود که به صورت خودجوش توسط خود بهره‌برداران ایجاد شده و ادامه دارد.

برخی مراتع کشور در محدوده محافظت شده قرار دارد که گونه‌های جانوری و گیاهی خاصی در آن قرار دارد و به‌طور ویژه باید از آن محافظت شود. طبیعی است که

محدودیت‌هایی برای شکار و چرا در این مناطق باید اعمال شود. لذا کارکرد اصلی این مراتع متفاوت از دیگر مواردی است که خالی از گونه‌های خاص گیاهی و جانوری هستند. با توجه به اینکه مراقبت و حفاظت از سرمایه‌های طبیعی موجود در این مراتع پرزحمت و پرهزینه است، معمولاً مردم پذیرش چنین کاری را به عهده نمی‌گیرند و در صورتی که در اختیار کسی به جز دولت قرار گیرد به لحاظ اقتصادی مزیتی را برای وی در برنخواهد داشت. لذا تنها دولت می‌تواند بر آن مناطق حکم‌فرما باشد. البته در این شکی نیست که حتی در اداره چنین مناطق ویژه‌ای استفاده از مشارکت مردم در شناسایی و نحوه مواجهه و اداره کردن بسیار ضروری است.

طبق آنچه که در تجربیات میدانی مشاهده شده و در چارچوب نهاد استرم (IAD) نیز تصریح شده است، الگوی بهره‌برداری مراتع در هر منطقه از کشور از شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی تبعیت می‌کند. این سازوکار بهره‌برداری در سطح عملیاتی قرار دارد و به تشخیص خود مردم است تا با شناختی که از عرف و شرایط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی دارند به طراحی خاص اقدام کنند. لذا به نظر می‌رسد در مناطقی که به لحاظ اجتماعی امکان احیای نظامات جمعی و همیارانه وجود دارد این فرصت توسط خود استفاده می‌شود. اما در مناطقی که به صورت عرفی مردم تمایل دارند تا مراتع را تفکیک و افراز کنند بهره‌برداری به صورت فردی صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در کهکیلویه و بویراحمد یا در سمیرم قریب به اتفاق بهره‌برداران حتی مراتعی را که به صورت مشاعی به آنها واگذار شده است به صورت غیررسمی تفکیک می‌کنند.

در مجموع در طراحی نهاد مطلوب بهره‌برداری در بخش منابع طبیعی برخی از مؤلفه‌ها به صورت متغیر است که بر مؤلفه‌های دیگر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اثرگذار است. در نظام حکمرانی مراتع در شرایط فعلی، اقلیم و بافت اجتماعی از متغیرهایی است که بر بسته حقوق مالکیت و میزان و نحوه کنش دولت و بهره‌برداران مؤثر است. در واقع نهاد مطلوب بهره‌برداری باید به گونه‌ای باشد که تا حد امکان هزینه مبادله کمتری را ایجاد کند. به عنوان مثال در ساختار مالکیت جمعی، ایجاد هماهنگی و رضایت بین بهره‌برداران هزینه بالایی را ایجاد می‌کند. لذا حتی الامکان ساختار مالکیت جمعی در عرصه پیشنهاد نمی‌شود. هرچند که در بهره‌برداری از عرصه، نظام همیاری بین

بهره‌برداران به‌کار گرفته می‌شود. باید در نظر داشته مسأله مالکیت بر عرصه از نظام همیاری مجزاست. این مؤلفه‌ها در ادامه تشریح می‌شود:

❖ **اقلیم:** وضعیت اقلیم اعم از اینکه دارای پوشش گیاهی غنی یا ضعیف، دربردارنده منابع آبی، وضعیت فیزیکی زمین که دارای شیب یا بدون شیب است و سایر موارد فیزیکی مؤثر است. در این جدول تنها پوشش گیاهی در نظر گرفته شده است و تأثیر متغیر منابع آبی و سایر موارد در نوع مالکیت و بهره‌برداری در نظر گرفته نشده است.

❖ **هویت اجتماعی:** در برخی مناطق باتوجه به بافت اجتماعی حاکم بر آن که در قالب طایفه یا یک تشکل همیارانه است، وجود تعاملات اجتماعی باعث شده که تاب-آوری اجتماعی بیشتری در برابر مشکلات و حوادث شکل بگیرد. در ساختارهای طایفه‌ای که هنوز سلسله‌مراتب عشایری حاکم است، این هویت اجتماعی در سطح بالایی وجود دارد و پیامدهای اجتماعی مؤثر و مثبتی را به همراه دارد. اما متأسفانه در بیشتر مناطق کشور از نظام اجتماعی عشایری چیزی به چشم نمی‌خورد و بیشتر آنها دامداران کوچنده هستند که از ساختار عشایری منفک شده‌اند. از این جهت در این موارد از هویت اجتماعی برخوردار نیستند. در صورتی که در بخشی از مناطق از جمله در جنوب شرق کشور، ساختار طایفه‌ای و سلسله‌مراتبی همچنان پابرجا باشد، نباید با اعمال مداخله‌های بیرونی از جمله واگذاری مالکیت به صورت فردی این نظام اجتماعی از بین برود. از این جهت در این گونه موارد مالکیت جمعی بر عرصه مطرح شده است.

❖ **صرفه اقتصادی و معیشتی:** اینکه در چه حالتی و با چه سازوکاری مزیت اقتصادی بیشتری عاید افراد می‌شود و هزینه‌های کمتری بر آنها تحمیل می‌شود حائز اهمیت است. در مراتع ضعیف که صرفه اقتصادی کمی را برای بهره‌بردار به همراه دارد، بهره‌بردار از انگیزه کمتری برای مدیریت آن برخوردار است. از این جهت در سازوکار بهره‌برداری بین هر نوع مرتع تفاوت وجود دارد.

❖ **طیف حقوق مالکیت:** در خصوص اینکه برای هر کنشگر و در موقعیت کدام قسمت از این طیف حقوقی قابل واگذاری است، به صورت مفصل در بخش قبلی تبیین شده است.

❖ **تمرکز دولتی:** تمرکززدایی از اختیارات و وظایف سازمان‌های حاکمیتی با توجه به ناتوانی و ناکارآمدی ساختارهای دولتی ضرورت یافته و واگذاری امور به بخش مردمی بیش از پیش روشن شده است. با این حال در برخی از موقعیت‌ها همچنان لازم است که دولت حدی از تمرکز مدیریتی و اجرایی را در اختیار داشته باشد. به عنوان مثال در مراتعی که نیاز به حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری دارد، تمرکز دولتی بیشتر باید باشد. یا در مراتع ضعیف که بافت اجتماعی آن به صورت فردی است، دولت در قالب مشارکت با بخش مردمی به مدیریت از مراتع و حمایت از بهره‌برداران می‌پردازد.

❖ **نوع کنش دولت:** اینکه نوع کنش دولت به چه صورت و در چه قالبی باید باشد حائز اهمیت است. در برخی موارد تنها به نظارت می‌پردازد. در برخی موارد دیگر علاوه بر نظارت، در فرآیند احیا و حفاظت هم مؤثر است. کنش‌های دولتی توسط سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، سازمان امور عشایر یا دیگر سازمان‌ها محقق می‌شود.

❖ **تسهیلگری دولت:** آن طور که مشخص است در برخی از موقعیت‌ها که مراتع ضعیف است، بهره‌بردار به تنهایی نمی‌تواند از عهده امور حفاظت و احیا برآید و نیازمند حمایت و تسهیلگری است. البته فاکتور بافت اجتماعی نیز در این خصوص مؤثر است. اگر در موقعیت موردنظر بافت اجتماعی به صورت جامعه‌محور از جمله طایفه یا یک تشکیلات منسجم برقرار باشد نیاز به تسهیلگری دولت بسیار کمتر است.

باتوجه به ترکیب مؤلفه‌های نهادی که وضعیت سلول‌های جدول زیر را مشخص می‌کند، در صورتی که حق دسترسی، حق برداشت و حق مدیریت در اختیار بهره‌بردار محلی باشد و حق انتقال و انحصار در اختیار بهره‌بردار با نظارت دولت قرار داشته باشد، سازوکار مطلوبی شکل می‌گیرد. در این مسیر ضمن کاهش هزینه مبادله، افزایش نظام انگیزشی افراد و تفکیک مزیت اقتصادی افراد از یکدیگر، مسیر همیاری و تعاون مسدود نمی‌شود.

جدول (۳): تنوع نهادی متناسب با شرایط فیزیکی واجتماعی

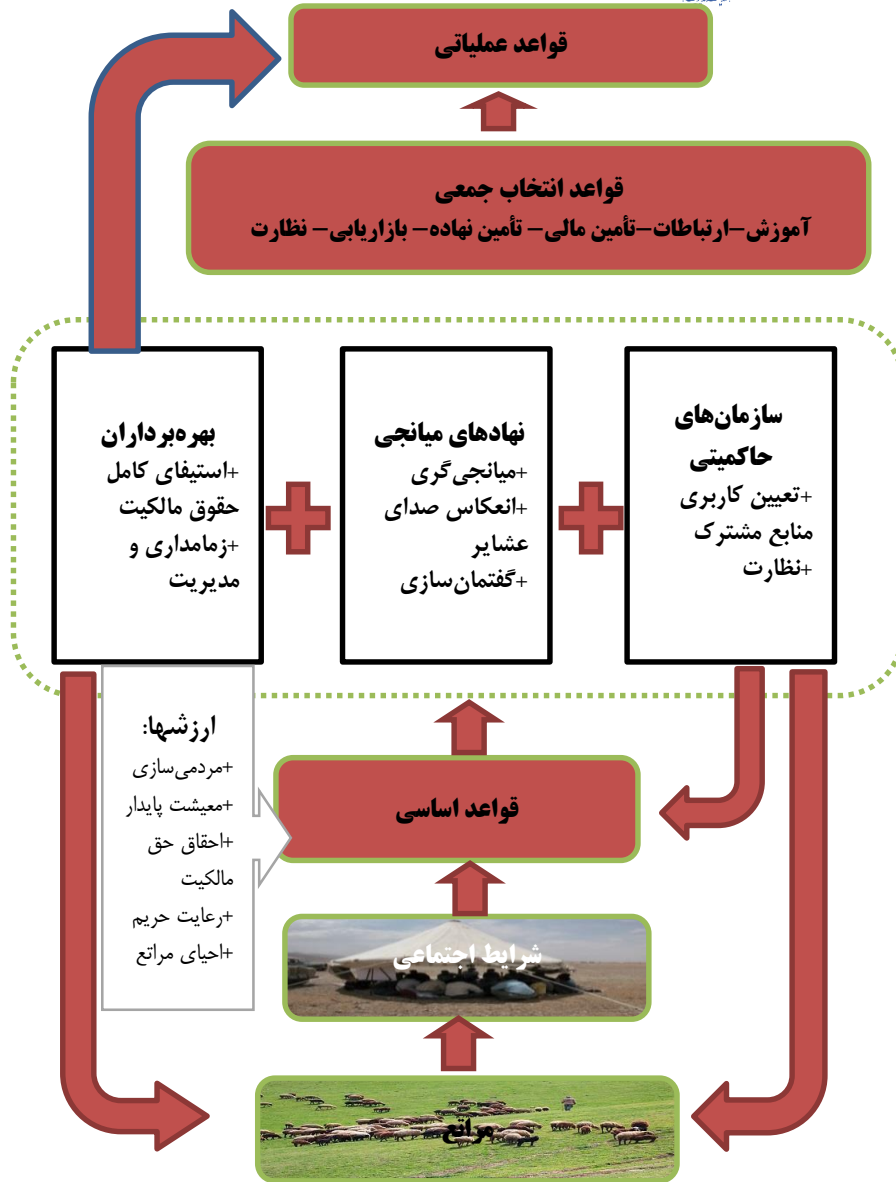
دولت و بهره- بردار محلی	فردی		جامعه محور (طایفه، تشکل)		بافت اجتماعی	متغیرها
	گونه گیاهی و جانوری نیازمند حفاظت- معادن بسیار ارزشمند	پوشش گیاهی خوب یا متوسط	پوشش گیاهی ضعیف	پوشش گیاهی خوب یا متوسط	پوشش گیاهی ضعیف	
بسیار زیاد	زیاد	کم	زیاد	کم	صرفه اقتصادی	تابع
دولتی	عموم مردم		حق دسترسی		طیف حقوق مالکیت	
بهره‌بردار محلی یا بهره- بردار مجاز	بهره‌بردار محلی یا بهره‌بردار مجاز		حق برداشت			
مشارکت دولت و مردم محلی	بهره‌بردار محلی	نماینده بهره‌برداران	حق مدیریت			
مشارکت دولت و مردم محلی	مشارکت بهره‌بردار محلی و دولت	مشارکت نماینده بهره- برداران و دولت	حق انحصار			
مشارکت دولت و مردم محلی	مشارکت بهره‌بردار محلی و دولت	مشارکت نماینده بهره- برداران و دولت	حق انتقال			
بالا	پایین	متوسط	پایین		تمرکز دولتی	
مشارکت در حفاظت، احیا و بهره‌برداری	نظارت	مشارکت در اظتحف، احیا	نظارت		نوع کنش دولت	
زیاد	کم	زیاد	کم		تسهیلگری دولت	

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

با توجه به نگاه فقهی حضرت امام و همچنین سابقه احیای مراتع توسط بهره‌برداران محلی، لازم است که مالکیت مراتع به بهره‌برداران محلی و عرفی همان مناطق بازگردانده شود. تشخیص بهره‌برداری به صورت فردی یا جمعی به خود اهالی هر منطقه واگذار می‌شود. بنابراین اعلام مالکیت دولتی بر مراتع کشور در قانون ملی شدن مراتع که در رژیم ظالم پهلوی انجام شد غصب بزرگی بود که در حق بهره‌برداران روا داشته شد. مراتع کشور در طول سالیان دراز توسط مردم محلی که دارای سابقه بهره‌برداری بوده‌اند به انحاء مختلف احیا شده و به لحاظ عرفی و شرعی و همچنین با در نظر گرفتن انگیزه-های مدیریتی و اقتصادی، ضروری است که مالکیت و مدیریت این اراضی در اختیار خود بهره‌برداران باشد.

مطابق با شکل (۶) سه سطح قواعد عملیاتی، انتخاب جمعی و اساسی وجود دارد. مؤلفه فیزیکی که دربرگیرنده شرایط اکولوژیک منابع طبیعی است و همچنین شرایط اجتماعی که دربرگیرنده سبک و سیاق و فرهنگ اجتماعی حاکم بر یک بافت اجتماعی است به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر قواعد سطح اساسی و نحوه شکل‌گیری آنها مؤثر است. در این میان آنچه که می‌تواند قواعد این سطح را تحت تأثیر قرار دارد ارزش‌هایی است که بخشی از آن با الهام از مبانی اسلامی است در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منعکس شده و همچنین بخشی مستخرج از مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان است. از این جهت مردمی‌سازی که اولویت دادن به نقش‌آفرینی مردم و جوامع محلی است، شکل‌گیری معیشت پایدار برای بهره‌برداران منابع طبیعی، احقاق حق مالکیت برای ذی-نفعان اصلی که بهره‌برداران محلی هستند، رعایت حریم کسب‌وکار از جمله توجه به ایل‌راه‌ها و در نهایت حفاظت و احیای منابع طبیعی از جمله مراتع به عنوان ارزش‌های اساسی مورد توجه قرار گرفته است.



شکل (۷): نظام حکمرانی منابع مشترک (مراعات) با تأکید بر قواعد و کنش‌گران

منبع: (باقری، ۱۳۹۹، ص. ۳۰۵)

کنش‌گران کلیدی که شامل سازمان‌های حاکمیتی و دولتی، نهادهای میانجی و بهره‌برداران هستند. سازمان‌های حاکمیتی نقش اصلی را در شکل‌گیری قواعد اساسی که شامل تغییر قوانین و سیاست‌ها است بر عهده دارند. تعیین کاربری منابع مشترک و نظارت کلی بر نحوه بهره‌برداری پایدار از این منابع در سطح اساسی قرار دارد. نهادهای میانجی که شامل اندیشکده‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد است در خارج از جامعه بهره‌برداران قرار دارند و در گفتمان‌سازی سیاست‌های اصلاحی بسیار مؤثر هستند و صدای مردم و بهره‌برداران محلی را منعکس می‌کنند. بهره‌برداران محلی با استیفای حقوق خود به‌طور کامل در کف میدان عملیات حفاظت، احیا و بهره‌برداری از منابع مشترک مرتعی قرار دارند.

همه کنش‌گران کلیدی تحت تأثیر قواعد شکل یافته در سطح اساسی قرار دارند و در یک کنش جمعی، قواعد انتخاب جمعی را شکل می‌دهند. در این سطح قواعد ناظر به آموزش و ترویج، شکل‌گیری ارتباطات میان بهره‌برداران، نحوه تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای در بخش منابع طبیعی، تأمین نهاده‌ها، بازاریابی و نظارت بر بهره‌برداری‌ها شکل می‌گیرد.

قواعد سطح عملیاتی به‌طور کامل در اختیار بهره‌برداران قرار دارد و خود آنها مستقیماً در خصوص این قواعد تصمیم‌گیری می‌کنند. طبق این مدل مطلوب بسیاری از وظایفی که تاکنون در اختیار سازمان‌های حاکمیتی از جمله «سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری» یا «سازمان امور عشایر» قرار داشته است به خود بهره‌برداران به عنوان زمامداران محلی واگذار می‌شود. برخی از قواعد که سازمان‌های حاکمیتی مستقلاً در خصوص آنها تصمیم‌گیری می‌کردند، در قالب کنش جمعی با مشارکت بهره‌برداران تعیین می‌شود.

یادداشت‌ها

1. Common Resources
2. The Free Riding Problem
3. Excludability
4. Anthony C. Grice and Kenneth C. Hodgkinson

۵. ر.ک قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع

6. Institutional Arrangement
7. Institutional Analysis and Development
8. Constitutional Choice
9. Collective Choice
10. Operational

11. Cheap Talk
12. Access
13. Withdrawal
14. Management
15. Exclusion
16. Alienation
17. Ranchetting
18. Thematic Analysis
19. Triangulation

۲۰. اصل اول: تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.
۲۱. اصل ششم: افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
- اصل هفتم: تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).
۲۲. اصل دهم: حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت.
۲۳. اصل نوزدهم: شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...
۲۴. عرصه‌های مرتعی که موقعیت جغرافیایی مشخصی داشته و در اختیار بهره‌برداران و عشایر قرار داشته است.

کتابنامه

- آبراهامیان، اروند (۱۳۹۰). *تاریخ ایران مدرن*. تهران: نی.
- استرم، الینور (۱۳۹۴). *فهم تنوع نهادی* (سید جمال‌الدین محسنی زنوزی، مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ازکیا، مصطفی؛ و ایمانی، علی (۱۳۹۰). *تحلیل نظری نظام‌های بهره‌برداری از مراتع*. فصلنامه توسعه محلی. ۳(۱۰): ۱-۲۸.
- اسکندری، نگهدار؛ علیزاده، عسگر و مهدوی، فاطمه (۱۳۸۷). *سیاست‌های مرتع‌داری در ایران*.

تهران: پونه.

ای سی گرایس و کی سی هادکینسون (۱۳۹۵). مراتع جهان، پیشرفت‌ها و چشم‌انداز آینده. (حسین ارزانی، مسعود برهانی، ندا چاره‌ساز، مترجمان). تهران: پونه (نشر اصلی اثر ۲۰۰۲).

باقری، محسن (۱۳۹۹). طراحی نظام حکمرانی مراتع در جمهوری اسلامی ایران (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران: ایران.

پاپلی یزدی، محمدحسین؛ و لباف خانیکی، مجید (۱۳۷۹). مرتع؛ نظام‌های بهره‌برداری مرتع. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۱۵ (۲). ۷-۴۰.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰). تحریرالوسیله (محمدباقر موسوی همدانی، مترجم). اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۷). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. تهران: نگاه دانش.

دلاور، علی (۱۳۸۳). مبانی نظری و عملی پژوهش. تهران: رشد.

دهقان، مینا؛ و دهقان، لیلا (۱۳۹۴). قاعده ید. دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق. زارعی، محمدحسین؛ حسنوند، محمد؛ و سلمانی‌سینینی، مرضیه (۱۳۹۶). مفهوم حکمرانی تنظیمی. جستارهای حقوق عمومی. ۱ (۱). ۱۲۴-۱۴۷.

صفی‌نژاد، جواد (۱۳۸۳). ساختار اجتماعی عشایر ایران. فصلنامه مطالعات ملی. ۱۷ (۶۵). ۸۴-۴۳.

قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۶.

قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع کشور، سال ۱۳۴۱.

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۸۳.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

کرسول، جان (۱۳۹۴). پویای کیفی و طرح پژوهش؛ انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی). (حسن

دانایی‌فرد و حسین کاظمی، مترجمان) تهران: صفار (نشر اصلی اثر ۲۰۰۷).

کفاش، مریم (۱۳۹۳). مالکیت منابع طبیعی در اندیشه فقهی امام خمینی و آیت الله سید محمدباقر

صدر (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). قم: دانشکده اصول الدین.

لمتون، آ.ک.س (۱۳۳۹). مالک و زارع در ایران (منوچهر امیری، مترجم). تهران: مرکز انتشارات

- علمی و فرهنگی (نشر اصلی اثر ۱۹۹۱).
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۵). اندیشه. بهره‌برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام. فصلنامه اقتصاد اسلامی. ۲۱(۸۱). ۱۱-۴۴.
- مرادی، عزت‌اله؛ و میردیلیمی، سیده زهرا (۱۳۹۷). نظام‌های مدیریت مراتع ایران. اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان.
- میردیلیمی، سیده زهره؛ و مرادی، عزت‌اله (۱۳۹۶). ارزیابی کارآمدی نظام مرتع‌داری ایران در نیم قرن گذشته. فصلنامه مرتع. ۴(۱۳). ۴۰۵-۴۲۱.
- نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۸۹). شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی. (ح‌سن دانایی فرد و سیدحسین کاظمی، مترجمان). تهران: مهربان نشر (نشر اصلی ۲۰۰۰).
- پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۹۷/۱۰/۱۵.
- Boyatzis, Richard E. (1998). Transforming qualitative information: Thematic analysis & code development. Thousand Oaks: Sage Publication.
- Creswell, John W. (2015). *Qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches*. 2nd ed. Tehran: Saffar.
- Flick, Uwe (1998). An introduction to qualitative research. Thousand Oaks. CA: sage.
- Geoffrey, Brennan; Buchanan, James M. (1985). The reason of rules. Constitutional political economy. In *The Collected Works of James M. Buchanan (Indianapolis, IN: Liberty Fund, 2000)*.
- Herrera, Pedro M.; Davies, Jonathan; Baena, Pablo Manzano (2014). The Governance of Rangelands. Collective action for sustainable pastoralism. Routledge.
- Lynn, Laurence E. (2010). What endures? Public governance and the cycle of reform. In: *The New Public Governance?* Routledge. 121-140.
- Marshall, G. (1998). Dictionary of Sociology Oxford University Press. In New York.
- Mirdeilami Z, Moradi E. (2018). Evaluating the efficiency of rangeland management system over the past half century. *Jurnal of Rangeland*. 11(4). 405-421.
- Meinzen-Dick, Ruth; DiGregorio, Monica; McCarthy, Nancy (2004). Methods for studying collective action in rural development. In *Agricultural systems*. 82 (3). 197-214.
- Kiser, Larry; Ostrom, E. (1982). Strategies of Political Action, chapter The Three Worlds of Action: Sage. Beverly Hills.
- Olson, Mancur (1965). *The Logic of Collective Action*. Cambridge: Harvard University Press.
- Ostrom, E., and Ostrom, V. (1977). Public Goods and Public Choices. In *Alternatives for Delivering Public Services*, ed. E. S. Savas, 7-49. Boulder, Colo.: Westview Press.
- Ostrom, Elinor (2005). understanding institutional diversity: Princeton University

Press.

Ostrom, Elinor (2003). How types of goods and property rights jointly affect collective action. In *Journal of theoretical politics*. 15 (3). 239–270.

Ryan, Gery W. & Bernard, H. Russell (2003). Techniques to identify themes. *Field methods*. 15 (1). 85-109.

Safinejad, j. (2004). Social structure among nomads in iran. *Natural studies*. 1(17). 43-84.

Scott, W. Richard (2014). *Institutions & Organizations; Ideas, Interests, Identities*. USA: Sage Publications.

<http://www.frw.org.ir>